

دسترسی به امکانات جامعه؛ بخشی از نیازهای احساس شده افراد دارای ناتوانی برای تحقق حقوق آنها

رؤیا قاسمزاده*، محمد کمالی**، علی چابک***، مسعود فلاحی خشکناپ****، سحر قنبری*****

طرح مسئله: این مقاله شامل بخشی از نتایج حاصل از پژوهش کیفی با عنوان بررسی دیدگاه و تجارب معلولین جسمی - حرکتی شهر تهران در زمینه حقوق افراد دارای ناتوانی است، که با هدف شناخت، تبیین دیدگاه و تجربه‌های افراد دارای ناتوانی از مسئله حقوق افراد دارای ناتوانی و از جمله حق دسترسی به امکانات جامعه، به عنوان بخشی از نیازهای افراد دارای ناتوانی و عاملی برای تحقق حقوق این افراد، تنظیم شده است.

روش: این پژوهش به شیوه پدیدارشناسی توصیفی به بررسی دیدگاه و تجارب افراد دارای ناتوانی جسمی - حرکتی در زمینه حقوق معلولین پرداخته است. در این پژوهش با استفاده از روش مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته، تجارب یازده نفر از معلولین جسمی - حرکتی جمع‌آوری و یافته‌ها براساس روش تجزیه و تحلیل کولایزی، تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: مطالعه مکرر جملات بیان‌شده توسط افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها، منجر به ظهور ۲۵ زیرمضمون و ۷ مضمون اصلی پژوهش گردید که در نهایت در سه زمینه کلی حقوق انسانی، حقوق شهروندی و حقوق خاص افراد دارای ناتوانی سازمان‌دهی شد. یکی از مضامین ظهوریافته در این پژوهش حق دسترسی به امکانات گوناگون جامعه است، که از بررسی شش زیرمضمون به

* کارشناس ارشد مدیریت توانبخشی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اهواز <r_ghasemzade@ajums.ac.ir>

** دکترای تخصصی آموزش بهداشت، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران

*** دکتر عمومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

**** دکتر توانبخشی روانی و روان‌پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

***** کارشناس ارشد کاردرمانی روان، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اهواز

دست آمده از گفته‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش فوق به دست آمده است.

نتایج: در این مطالعه برخی از بیانات افراد شرکت‌کننده در مصاحبه به حق دسترسی به برخی امکانات موجود در جامعه اشاره می‌کردند؛ که این حقوق در قالب زیرمضمون‌های حق دسترسی به مسکن، حق دسترسی به اطلاعات و آموزش، حق دسترسی به شغل، حق دسترسی به خدمات پزشکی و توانبخشی، حق دسترسی به امکانات گذران اوقات فراغت و خدمات ورزشی و حق دسترسی به اماکن و سیستم حمل‌ونقل طبقه‌بندی شدند، که خود منجر به ظهور مضمون اصلی حق دسترسی به امکانات جامعه، به عنوان یکی از مضامین حقوق شهروندی افراد دارای ناتوانی گردید. به عبارت دیگر، می‌توان گفت براساس دیدگاه و تجربیات افراد دارای ناتوانی شرکت‌کننده در این پژوهش، دسترسی به امکانات جامعه بخشی از حقوق شهروندی آن‌ها محسوب می‌گردد.

کلید واژه‌ها: تحقیق کیفی، حقوق معلولین، دسترسی، نیاز احساس شده

تاریخ پذیرش: ۸۸/۳/۶

تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۱۵

مقدمه

پدیده معلولیت سابقه طولانی در تاریخ زندگی بشر دارد. تحقیقات باستان‌شناسان نشان می‌دهد که انسان‌ها همواره از ناهنجاری‌های اسکلتی در رنج بودند. در طی دهه اخیر مسئله معلولیت به یکی از موارد مهم پژوهش در حیطه سلامت بدل شده است. سازمان بهداشت جهانی بررسی مسائل افراد دارای معلولیت را جزء اولویت‌های تحقیق و مداخله خود اعلام کرده است. یک دهم جمعیت جهان، با نوعی معلولیت به زندگی خود ادامه می‌دهند. تعدی به حقوق افراد دارای ناتوانی پدیده‌ای است که در اغلب کشورها دیده می‌شود و گاه به‌عنوان یکی از مسائل حاد، که باید به‌طور خاص به آن توجه کرد، مطرح می‌گردد (Coomber & Andrea, 2008). سازمان بهزیستی متولی امور افراد دارای ناتوانی در کشور در سال ۱۳۸۰ اعلام کرد تعداد ۲۶۰۰۰۰۰ فرد دارای ناتوانی در کشور زندگی می‌کنند (کریمی درمنی، ۱۳۸۲: ۳۰). در کشور ایران تا چند دهه گذشته، توجه به امور افراد

دارای ناتوانی، و اصولاً پرداختن به مقوله رفاه اجتماعی، تنها در اشکال مذهبی دیده می‌شد؛ صور سازمان‌یافته و منظم این امر در قوانین اسلامی مانند خمس، ذکات و غیره آمده است (میرخانی، ۱۳۸۵: ۱۸). حقوق انسانی و طبیعی افراد دارای ناتوانی، در سراسر جهان در معرض پامال شدن است. افراد دارای ناتوانی بزرگ‌ترین اقلیت جهان را تشکیل می‌دهند. این گروه اقلیت همواره با بی‌عدالتی، برخوردهای نامناسب ناشی از نوع نگرش اعضای جامعه، تبعیض و تجاوز به حقوق انسانی‌شان - از جمله حق زنده ماندن و زندگی کردن، حق داشتن زندگی خصوصی و زندگی خانوادگی، حق ادامه تحصیل و اشتغال، غیره، مواجهند. اغلب افراد علاوه بر عملکرد مؤسسات، سیاست‌های اجتماعی و نوع نگرش به پدیده معلولیت، خود به ناتوانی افراد دارای ناتوانی دامن می‌زنند. قوانین حقوق بشر نیز، توجه چندانی با مسئله حمایت از حقوق افراد دارای ناتوانی ندارد. به عبارتی شاید بتوان گفت، که افراد دارای ناتوانی متأسفانه هیچ‌گاه به‌طور برابر به عدالت دسترسی نداشتند (Coomber & Andrea, 2008). در اعلامیه‌ها و قوانین بین‌المللی موارد گوناگون، از جمله حق دسترسی به امکانات جامعه، از مصادیق حقوق افراد دارای معلولیت محسوب می‌شود. زمینه‌سازی برای دسترسی افراد دارای معلولیت به امکانات جامعه همواره در اولویت برنامه‌های مربوط به احقاق حقوق افراد دارای معلولیت قرار داشته است. حمایت از حقوق انسانی وظیفه همه دولت‌ها در همه جوامع و برای همه شهروندان مطرح است. افراد دارای ناتوانی باید از حقوقی مانند سایر شهروندان برخوردار باشند و هیچ استثنایی در این خصوص قابل قبول نیست. لیکن توجه ویژه به موارد زیر ضروری است: الف) دسترسی به خدمات بهداشتی؛ ب) توانمندسازی و ایجاد فرصت‌های مساوی برای کسب درآمد؛ ج) ایاب و ذهاب و مناسب‌سازی اماکن؛ د) برخورداری از فرصت‌های برابر زندگی فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، مسکن و دسترسی به اطلاعات؛ ه) مشارکت سیاسی. وی معتقد است تلفیق افراد دارای معلولیت و ناتوانی با سایر اعضای جامعه، امروزه به ایده‌ای استثنایی بدل شده است؛ به نحوی که شعار «یک جامعه برای همه» در برنامه مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفته است. با این همه کمبود آگاهی‌های عمومی و نگرش منفی

به مسأله معلولیت و ناتوانی، هنوز هم از عمده‌ترین مشکلات برای دستیابی به حقوق انسانی افراد دارای معلولیت در همه جوامع است (کمالی، ۱۳۷۹). در زمان اجرای این پژوهش در ایران، تحقیقات و پژوهش‌هایی که در آنها به‌طور خاص به بررسی مسئله حقوق افراد دارای ناتوانی پرداخته باشد، در دسترس نبود. اما در سایر کشورها تحقیقاتی در زمینه جنبه‌های مختلف مسئله حقوق افراد دارای ناتوانی انجام شده بود که در این مقاله به موارد مرتبط با حق دسترسی افراد دارای ناتوانی به امکانات عمومی جامعه اشاره خواهد شد. و جاکوویک و مائوز در سال ۱۹۹۲ با کمک دانشجویان، سعی در تهیه نقشه میزان در دسترس بودن مرکز شهر در کاوتتری انگلستان پرداختند. آنها با تأکید بر این اصل که افراد دارای ناتوانی به‌عنوان شهروندان جامعه از حق دسترسی به اماکن و فضاهای شهری برخوردارند؛ در ترسیم نقشه میزان دسترسی به بخش مرکزی شهر محل سکونت خود، برای افراد دارای ناتوانی جسمی - حرکتی، از دانش و تجربیات خود این افراد نیز بهره گرفتند. آنها دریافتند که امکانات عمومی جامعه - با تفاوت چشمگیری نسبت به سایر افراد - در دسترس افراد دارای ناتوانی قرار می‌گیرد (Vejakovic & Matthews, 1992: 359-374). گیلدربروم و روزن تراب معتقدند علی‌رغم حمایت‌های نهضت‌های حامی حقوق افراد دارای ناتوانی، بسیاری از شهرهای آمریکا به «زندان‌های نامرئی» برای افراد دارای ناتوانی و سالمندان بدل شده‌اند. چرا که این گروه را در انتخاب محل سکونت محدود کرده است و با در دسترس قراردادن سیستم حمل‌ونقل نامناسب و ناسازگار با شرایط ایشان، آنها را به‌طور غیرمستقیم به حاشیه رانده و از حضور در کنار سایر اعضای جامعه محروم کرده است (Gilderbloom & Rosentraub, 1990: 241-282). ایمره و ولز معتقد بودند که نحوه اداره سیستم منجر به، به حاشیه رانده شدن افراد دارای معلولیت می‌شود. آنها به حاشیه رانده شدن افراد دارای ناتوانی را، نمونه‌ای از جداسازی و اعمال تبعیض علیه افراد دارای معلولیت دانسته‌اند (Imrie & Wells, 1993: 278-281). هان ضمن مطرح کردن بحث عدالت اجتماعی دسترسی به اماکن و فضاها را به‌صورت گسترده‌ای زیربنای تلاش‌های افراد دارای ناتوانی برای دستیابی به فرصت‌های برابر می‌داند (Hahn,)

1986:273-288). همان‌گونه که بیان شد دسترسی به امکانات جامعه به عنوان یکی از عوامل مهم در احقاق حقوق افراد دارای معلولیت از سوی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، بررسی دیدگاه و تجربیات معلولین جسمی - حرکتی شهر تهران در زمینه حقوق افراد دارای ناتوانی مورد تأکید قرار گرفته بود. این مقاله با ارائه این بخش از نتایج پژوهش فوق، درصدد شناخت و تبیین مضمون اصلی دسترسی به امکانات جامعه، به عنوان بخشی از نیازهای احساس‌شده افراد دارای ناتوانی شرکت‌کننده در این پژوهش برای تحقق حقوق این افراد در جامعه است.

۱) مواد و روش‌ها

این تحقیق به شیوه کیفی و با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی توصیفی به بررسی دیدگاه و تجارب افراد دارای معلولیت جسمی - حرکتی ساکن شهر تهران در زمینه حقوق افراد دارای ناتوانی پرداخته است. افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، از هر دو جنس و به شیوه نمونه‌گیری هدفمند، از بین افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی ساکن شهر تهران، که از اعضای جوامع و انجمن‌های افراد دارای ناتوانی و مراجعه‌کنندگان به مراکز سازمان بهزیستی شهر تهران محسوب می‌گردند و بالاتر از ۲۰ سال سن دارند، انتخاب شده‌اند. به این ترتیب یازده مصاحبه با یازده فرد دارای معلولیت جسمی - حرکتی، انجام شد. سن این افراد بین ۲۵ تا ۴۸ سال متغیر بوده و چهار نفر از افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها زن و بقیه مرد بودند. چهار نفر از این افراد مجرد و بقیه متأهل بودند. از نظر میزان تحصیلات دو نفر زیر دیپلم، سه نفر دیپلم، یک نفر فوق دیپلم، یک نفر لیسانس، دو نفر فوق لیسانس و یک نفر نیز مدرک دکترا دارد. با انجام این یازده مصاحبه، اطلاعات به اشباع رسیده و لذا مصاحبه‌های بیشتری انجام نشد. اطلاعات دموگرافیک افراد شرکت‌کننده در پژوهش، در جدول شماره ۱ به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های دموگرافیک افراد شرکت‌کننده در مصاحبه

فرد شرکت‌کننده در مصاحبه	جنسیت	سن	وضعیت تأهل	میزان تحصیلات
الف	مرد	۳۵	متأهل	لیسانس
ب	مرد	۳۸	متأهل	دکتری
پ	مرد	۳۲	متأهل	دیپلم
ت	زن	۳۹	متأهل	دیپلم
ث	مرد	۳۷	متأهل	دیپلم
ج	مرد	۲۸	مجرد	فوق لیسانس
چ	زن	۳۹	مجرد	فوق دیپلم
ح	زن	۲۵	مجرد	لیسانس
خ	مرد	۴۸	متأهل	زیر دیپلم
د	زن	۴۵	متأهل	زیر دیپلم
ذ	مرد	۳۳	مجرد	فوق لیسانس

آشنایی اولیه با افراد شرکت‌کننده در پژوهش با مراجعه به سازمان بهزیستی استان تهران و انجمن حمایت از حقوق افراد دارای ناتوانی، جستجوی اینترنتی وبسایت‌ها و وبلاگ‌های شخصی افراد دارای ناتوانی، که در زمینه حقوق افراد دارای ناتوانی فعالیت می‌کنند، و همچنین معرفی این افراد توسط افراد آگاه - برای مثال متخصصین حیطه امور توانبخشی، مدیران توانبخشی، اساتید دانشگاه و افراد شرکت‌کننده در پژوهش و سایر افراد دارای ناتوانی - انجام شد. در این تحقیق از روش مصاحبه عمیق جهت جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شده است. مصاحبه‌ها توسط محقق به شیوه فرد به فرد و به صورت حضوری، در مدت زمان ۶۰ تا ۹۰ دقیقه انجام شده و در صورت نیاز، بحث در همان جلسه و یا جلسات دوم یا سوم ادامه یافت. در این تحقیق از یک راهنمای مصاحبه حول محور تجربیات افراد از مسئله دسترسی به امکانات موجود کمک گرفته شد. سوالات در طی یک مصاحبه نیمه ساختار یافته مطرح می‌شدند و افراد شرکت‌کننده به آن‌ها پاسخ می‌دادند.

سوالات اصلی مطرح شده در این بخش پژوهش به دو صورت کلی مطرح گردید: الف) از نظر شما (فرد شرکت کننده در مصاحبه) دسترسی افراد دارای ناتوانی به امکانات جامعه یعنی چه؟ ب) چه تجربه یا تجارب حقوقی از برخورد با مسئله در دسترس بودن امکانات جامعه دارید؟ عبارات و نظرات مصاحبه شونده توسط دستگاه ضبط صوت، ضبط شده و پس از اتمام جلسه مصاحبه، لفظ به لفظ متن مصاحبه‌ها پیاده شد و به منظور رعایت اصول تحقیق، عبارات و جملات افراد شرکت کننده در مصاحبه‌ها با حفظ معنا به صورت ادبیات نگارشی نوشته شده‌اند. در این پژوهش به منظور رعایت نکات اخلاقی، سعی شد قبل از شروع مصاحبه، فرد شرکت کننده در مصاحبه از هدف انجام طرح و مصاحبه آگاه شده و در صورت رضایت از حضور در مصاحبه صحبت‌های فرد ضبط شود. در ابتدای هر مصاحبه، فرد شرکت کننده به صورت شفاهی رضایت خود را از ضبط صحبت‌ها و استفاده از عبارات و جملات مصاحبه توسط محققین اعلام می‌کرد. به این ترتیب موارد زیر، به عنوان نکات اخلاقی، که در این طرح به آن‌ها توجه شد، به اطلاع افراد شرکت کننده رسید:

الف) اطلاعات به دست آمده در مصاحبه‌ها بدون ذکر نام شرکت کنندگان استفاده شده است.

ب) به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که گفته‌های ایشان محرمانه خواهد بود و در هیچ جا به نفع یا بر علیه ایشان مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

ج) مصاحبه کننده از گفته‌های افراد شرکت کننده در مصاحبه‌ها به طور دقیق و بدون هرگونه دخل و تصرف در صحبت‌های افراد استفاده کرده است.

د) سخنان اهانت آمیز به اشخاص حقیقی و حقوقی، در صورت وجود، از سخنان شرکت کنندگان حذف شده و فرد شرکت کننده در جریان حذف این بخش از سخنانش قرار گرفته است.

به منظور حفظ روایی و پایایی در این پژوهش، سوالات تحقیق در جهت کاهش یا حذف احتمال ارائه اطلاعات نادرست از سوی شرکت کنندگان به شیوه‌های مختلف از

شرکت‌کنندگان گوناگون پرسیده شد، به این ترتیب مشخص شد که آیا پاسخ‌ها ثابت دارند یا نه. از آن‌جا که روش جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق روش مصاحبه عمیق است، سعی شده مصاحبه‌ها با دقت و بدون سوگیری انجام شود، تا به میزان کافی مطالب در مورد سؤالات پرسیده شود، به صورتی که اگر محقق دیگری در همان وضع یا وضع مشابه، فرایند را تکرار کند به همان پاسخ‌ها یا پاسخ‌های مشابه دست یابد. همچنین برای اطمینان از قابل اعتماد بودن تحلیل داده‌ها، پژوهشگر با مراجعه به هریک از شرکت‌کنندگان، نظر آنان را در مورد این‌که آیا توصیف جامع و نهایی یافته‌ها منعکس‌کننده تجربه آن‌هاست یا نه، جویا شد^۱ و در صورت حذف یا اضافه کردن مطلبی توسط شرکت‌کنندگان، این مسئله در متن نهایی داده‌ها لحاظ گردیده است. به عبارتی، می‌توان گفت شیوه اصلی حفظ روایی و پایایی داده‌ها در این پژوهش، ثبت مصاحبه‌هاست. مطالب ضبط‌شده در موارد متعدد توسط افراد مختلف تجزیه و تحلیل شده بررسی شده است.

لازم به ذکر است از آن‌جا که در این پژوهش بر اصل محرمانه ماندن اسامی افراد تأکید شده است، لذا افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، به ترتیب انجام مصاحبه‌ها، با حروف الفبا مشخص شده‌اند. همچنین لازم به ذکر است در این مقاله براساس ادبیات ارجحیت شخص^۲ سعی شده است از به‌کارگیری کلمات موهن و یا دارای بار منفی نظیر معلول و یا ناتوان اجتناب گردد. مؤلفین از کلمات دارای بار مثبت نظیر افراد دارای ناتوانی و یا افراد دارای معلولیت استفاده کرده‌اند، اما در نقل‌قول‌های افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها، به‌منظور حفظ امانت‌داری کلماتی که خود افراد دارای ناتوانی به کار گرفته‌اند، نوشته شده است.

1. member Check

2. people first language

(۲) یافته‌ها

به‌منظور تفسیر و تجزیه‌تحلیل اطلاعات به دست آمده در این تحقیق، از روش کولایزی^۱ بهره گرفته شده است. مراحل این روش عبارت‌اند از:

- الف) شرح دادن پدیده مورد نظر؛
- ب) گردآوری توصیف‌های شرکت‌کنندگان در مورد پدیده؛
- ج) مطالعه تمام توصیف‌هایی که شرکت‌کنندگان در مورد پدیده مورد نظر بیان کرده‌اند؛
- د) مراجعه به نوشته‌های اصلی و استخراج جملات مهم؛
- ه) مشخص شدن معنی هرکدام از جملات مهم؛
- و) سازمان‌دهی معانی فرموله شده در خوشه‌های مضمون‌ها؛
- ز) یک توصیف جامع و کامل؛
- ح) مراجعه به شرکت‌کنندگان برای معتبر کردن توصیف؛
- ط) اضافه شدن این داده‌ها به توصیف جامع در صورت دستیابی به داده‌های جدید در طول تعیین اعتبار.

با مطالعه مکرر متون پیاده شده، ۶۵۵ جمله دارای اهمیت ویژه انتخاب شده و با شیوه تجزیه و تحلیل کولایزی نسبت به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام گردیده است. این تعداد جمله در طی مطالعات مکرر بعدی به ۲۴۳ جمله تقلیل یافت و در نهایت با بررسی این جملات و معانی آن‌ها ۲۵ جمله کلیدی گزینش و به‌عنوان ۲۵ زیرمضمون اصلی پژوهش انتخاب شدند. در بررسی‌های بعدی، زیرمضمون‌ها در قالب هفت مضمون اصلی پژوهش دسته‌بندی شده و در نهایت در سه زمینه کلی طبقه‌بندی شدند. یکی از مضامین اصلی ظهوریافته در این پژوهش، مضمون دسترسی است. این مضمون اصلی دارای شش زیرمضمون است که عبارت‌اند از: حق دسترسی به مسکن، حق دسترسی به اطلاعات و آموزش، حق دسترسی به شغل، حق دسترسی به خدمات پزشکی و توانبخشی، حق

1. Colaizzi Methods

دسترسی به امکانات گذران اوقات فراغت و خدمات ورزشی و حق دسترسی به اماکن و سیستم حمل و نقل. بدیهی است به دلیل حجم زیاد اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها تنها تعداد کمی از جملات انتخاب و در نگارش مقاله از آن‌ها استفاده شده است. مضمون اصلی دسترسی به همراه زیر مضمون‌های مربوط به آن و برخی از جملات شرکت‌کنندگان در پژوهش را در جدول شماره ۲ مشاهده می‌کنید.

جدول ۲: مضمون اصلی دسترسی به امکانات جامعه از دیدگاه شرکت‌کنندگان در پژوهش

مضمون اصلی	زیر مضمون‌ها	جملات مهم شرکت‌کنندگان
حق دسترسی به امکانات جامعه	حق دسترسی به مسکن	... باید مسکن در اختیار افراد دارای ناتوانی قرار داد ... چه نهاد دولتی شما می‌شناسید که متولی این کار باشد؟
	حق دسترسی به اطلاعات و آموزش	... من دلم می‌خواهد اما امکاناتش فراهم نیست. امکاناتش فراهم بشود تا من بروم و درس بخوانم.
	حق دسترسی به اشتغال	... این‌ها همه به هم وابسته است. اگه اشتغال من را حلش کنید، نیازی نیست بلیط مترو رو نصف قیمت کنید، نیازی نیست کمکم کنید و نگاه خیرخواهانه داشته باشید.
	حق دسترسی به خدمات پزشکی و توانبخشی	... الان چند ساله دارند به جای چرم که با پوست فرد معلول در تماس است، فوم، از این کف‌های دمپایی ابری‌ها استفاده می‌کنند! چون ارزان‌تر است...
	حق دسترسی به اوقات فراغت و ورزش	... ما توقع داریم لااقل دیگه ورزش را نگویند این جزء افراد دارای ناتوانیه، سالمه یا جانباز است.
	حق دسترسی به اماکن و سیستم حمل و نقل	... حالا مثلاً وسیله ایاب و ذهاب نمی‌خواهید بدهید، ندهید! در عوض یک اتوبوس بگذارید که مناسب‌سازی شده باشد.

افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، دسترسی به مسکن، آموزش و اطلاعات، اشتغال، خدمات پزشکی و توانبخشی، اوقات فراغت و ورزش و دسترسی به اماکن و سیستم حمل‌ونقل عمومی را از جمله حقوق خود و سایر شهروندان دارای معلولیت به شمار آورده‌اند.

۱-۲) حق دسترسی به مسکن

حق دسترسی به مسکن یکی از زیر مضمون‌های مضمون اصلی دسترسی است. برخی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش بر لزوم دسترسی افراد دارای ناتوانی، به محلی برای سکونت تأکید کردند. ایشان معتقدند مالکیت ملک، پشتوانه‌ای برای پذیرش فرد معلول در خانواده پس از فوت والدین، است. برخی از آن‌ها گفته‌اند که افراد بی‌سرپرست، خصوصاً بانوان بی‌سرپرست دارای ناتوانی و کسانی که معلولیت‌های شدید دارند، نیازمند زندگی در مراکز نگهداری‌اند. ایشان همچنین معتقدند سایر افراد دارای ناتوانی نیز برای دستیابی به مسکن نیازمند حمایت دولت و سازمان‌های دولتی هستند. یکی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش معتقد است «... باید مسکن در اختیار افراد دارای ناتوانی قرار بگیرد ... چه نهاد دولتی شما می‌شناسید که متولی این کار باشد؟ (چ، مرد ۲۸ ساله)»، دیگری می‌گوید «بچه‌های معلولی که شدت معلولیت‌شان خیلی بالاتر است اگر به نام فردی که مشکل جسمی دارد، خانه‌ای باشد؛ آن وقت خانواده به آن نیاز دارند ... همین که پدر یا مادر فوت بشود ... می‌آیند و ارث‌شان را می‌خواهند. (چ، زن ۳۹ ساله)»، او همچنین معتقد است «بعضی از بچه‌های ما لازمه یک جایی نگهداری بشوند. مخصوصاً بانوان معلول؛ خوب پدر و مادر فوت شدند، این دیگر کسی را ندارد که با او زندگی کند. ببینید نیاز است بیاییم یه جاهایی راه‌اندازی کنیم. نمی‌گویم مثل سربازخانه! باید فلت فلت باشد اما این‌ها دور هم باشند، تنها نباشند. (چ، زن ۳۹ ساله)» و فرد دیگری گفته است «من فکر می‌کنم اگر پدر و مادر از بین بروند؛ اولین کاری که خواهر و برادر می‌کنند این است که این‌ها را می‌گذارند آسایشگاه! (خ، مرد ۴۸ ساله)» دیگری به سابقه تاریخی مسئله اشاره کرده و می‌گوید «این افراد را منزوی می‌کردند، از جامعه دور می‌کردند و در غارها نگه می‌داشتند. (ذ، مرد ۳۳ ساله)».

۲-۲) حق دسترسی به آموزش و اطلاعات

زیرمضمون بعد، حق دسترسی به آموزش و اطلاعات است. برخی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش معتقدند که افراد دارای ناتوانی باید برای زمینه‌های مختلف زندگی آموزش ببینند و همانند سایر افراد جامعه به آموزشگاه‌ها، مدارس، دانشگاه‌های دولتی و خصوصی دسترسی داشته باشند. آن‌ها معتقدند دسترسی افراد به امکانات آموزشی مستلزم زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی است. آن‌ها بر این باورند که افراد دارای تحصیلات عالی بهتر از سایرین می‌توانند راهی برای حل مشکلات‌شان بیابند. آن‌ها می‌گویند افراد دارای ناتوانی از حق تحصیل رایگان برخوردارند اما سهمیه‌ای در زمینه پذیرش در دانشگاه‌ها ندارند. یکی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش می‌گوید «من دلم می‌خواهد اما امکاناتش فراهم نیست. امکاناتش فراهم بشود تا من بروم و درس بخوانم. (ث، مرد ۳۷ ساله)» دیگری می‌گوید «من به شما بگویم سهمیه افراد دارای ناتوانی این هست که اگر راست دست باشند یا چپ دست باشند یک میز می‌گذارند سمت چپشان و اگر نتوانند بنویسند، به آن‌ها منشی می‌دهند که به جای آن‌ها بنویسد. (ج، مرد ۲۸ ساله)» او در ادامه می‌گوید «قانون ۱۶ ماده‌ای ... یکی از شاخص‌های این هست: تحصیل رایگان ... (ج، مرد ۲۸ ساله)» وی معتقد است «اگر یک معلول بتواند تحصیلات داشته باشد، بهتر می‌تواند از پس مشکلاتش بر بیاید. (ج، مرد ۲۸ ساله)»، دیگری می‌گوید «این باید استفاده کند از امکانات راهنمایی رانندگی، ولی متأسفانه هنوز هم هیچ آموزشگاهی به نام افراد دارای ناتوانی دایر نشده است. (چ، زن ۳۹ ساله)»

همچنین برخی شرکت‌کنندگان در پژوهش معتقدند، اطلاعات مورد نیاز افراد دارای ناتوانی باید به‌طور مناسب در اختیار آن‌ها قرار گیرد. آن‌ها می‌گویند گاهی عدم دسترسی افراد دارای ناتوانی به اطلاعات به نفع برخی افراد بوده و لذا به صورت خود آگاه و ناخودآگاه سعی می‌کنند اطلاعات در اختیار افراد دارای ناتوانی قرار نگیرد. یکی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش معتقد است «متأسفانه خیلی وقت‌ها خود معلول هم نمی‌شناسد؛ گاهی آن قدر محکوم شده، آن قدر محروم شده از همه چیز، که از نظر فکری دیگر آن

قدر رشد نکرده که احساس نیاز کند حتی! (ح، زن ۲۵ ساله)» او می‌گوید «شاید حتی ما گاهی می‌خواهیم از قوانین حمایتی هم خیلی آگاهی نداشته باشد! گاهی یک اقداماتی چه آگاهانه و چه ناخودآگاه و ناآگاهانه صورت می‌گیرد که انگار اگر ما افراد دارای ناتوانی، اطلاع از بعضی چیزها نداشته باشیم به نفع بعضی‌ها هست! (ح، زن ۲۵ ساله)».

۲-۳) حق دسترسی به شغل

دسترسی به اشتغال یکی از زیرمضمون‌هایی است که از سوی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش بر آن تأکید شده است. برخی از آن‌ها معتقدند که افراد دارای ناتوانی نیز همانند سایر افراد باید از امکان اشتغال برخوردار باشند. آن‌ها برای دسترسی به این حق از کانال‌های مختلفی مانند مراجعه به مقامات مسئول، استفاده از سهمیه اشتغال و ... استفاده کرده‌اند. بسیاری از این افراد معتقدند سهمیه اشتغال افراد دارای ناتوانی، صرفاً مطلبی است که روی کاغذ آمده است و فاقد جنبه اجرایی است. آن‌ها به این مسئله اشاره می‌کنند که عدم اجرای این قانون، پیگرد قانونی ندارد و مراکز خصوصی نیز ملزم به رعایت این سهمیه نیستند. ایشان تأکید می‌کنند که دسترسی افراد دارای ناتوانی به اشتغال، به زمینه‌سازی نیاز دارد و برخورداری این افراد از این حق، باعث می‌شود بسیاری از مشکلات افراد دارای ناتوانی توسط خودشان حل شود. همچنین آن‌ها یکی از راه‌های حمایت از اشتغال افراد دارای ناتوانی را ارائه وام اشتغال دانسته‌اند، که البته معتقدند تاکنون کارایی چندانی نداشته است. یکی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش می‌گوید «آیا کسی که از پا فلج شده از مغز هم فلج شده؟ آیا دیگر دست ندارد؟ آیا دیگر ذهن ندارد؟ آیا دیگر هیچ دوره‌ای بلد نیست؟ آیا کار کامپیوتر پا می‌خواهد؟ حالا مثلاً کار پیدا کردم، با چی بروم سر کار و بیایم؟ می‌خواهم بروم دانشگاه، همه این‌ها را تحت‌الشعاع خودش قرار می‌دهد ... این‌ها همه به هم وابسته است، اگه اشتغال من را حلش کنید، نیازی نیست بلیط مترو را نصف قیمت کنید، نیازی نیست کمکم کنید، و نگاه خیرخواهانه داشته باشید. (پ، مرد ۳۲ ساله)»، دیگری می‌گوید «فقط روی کاغذ آمده است! ببینید همین نامه ۳ درصد که

می‌گویند دادیم به معلول، فقط رو کاغذ است ... ۳ درصد درسته حالا می‌گویند ۳ درصد هست، اما باید برود دنبالش خوب! (خ، مرد ۴۸ ساله)، دیگری معتقد است «وقتی می‌روی دنبال این وام‌ها، آن‌چنان پشیمانت می‌کنند که می‌گویی نخواستم، بدید به یکی دیگه! (د، زن ۴۵ ساله)»، فرد دیگری می‌گوید «وقتی ۳ درصد اشتغال رو می‌گویند، هر اداره‌ای موظف است ۳ درصد از افراد شاغل را از افراد دارای ناتوانی بگیرد. ولی هیچ‌کس از ادارات سؤال نمی‌کند که این ۳ درصد را استفاده کردی یا نکردی! (چ، زن ۳۹ ساله)» دیگری معتقد است استخدام افراد دارای ناتوانی براساس قوانین کار کشور صورت نمی‌گیرد، او گفته است «... چون این شرکت آمد مبلغ وام این‌ها را گرفته، ولی نیامد این‌ها رو رسمی کنه و حقوق کارگری بهشان بدهد... (د، زن ۴۵ ساله)؛ دیگری می‌گوید «وقتی کار می‌خواستم با وزیر کار اونوقت آقای ... ملاقات داشتم، رفتم مستقیم پیش خود وزیر. (الف، مرد ۳۵ ساله)».

۴-۲) حق بهره‌مندی از اوقات فراغت و ورزش

زیرمضمون بعد، حق بهره‌مندی از اوقات فراغت و امکانات ورزشی است. برخی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش معتقدند که افراد دارای ناتوانی نیز همانند سایر افراد باید به اماکن و مراکز تفریحی دسترسی داشته باشند. آن‌ها معتقدند گاه در دسترس نبودن اماکن تفریحی، باعث محرومیت افراد از این خدمات می‌گردد. برخی از این افراد ورزش را در این دسته طبقه‌بندی کرده و معتقدند همه افراد باید به‌طور مساوی به خدمات ورزشی دسترسی داشته باشند. همچنین این افراد معتقدند حضور دسته‌جمعی افراد دارای ناتوانی در قالب اردوهای تفریحی کمک بزرگی به فرهنگ‌سازی و شناخته شدن این افراد از سوی جامعه می‌کند. یکی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش می‌گوید «بحث تسهیل زندگی حتی بحث تفریحات سالم مهم است... (ب، مرد ۳۸ ساله)»، دیگری گفته است «اردوهای بزرگی است که برگزار می‌شود ... معلول به صورت گروهی ظاهر بشود در صحنه، خواه ناخواه هم اجتماع می‌فهمد که این‌ها هستند، هم مسئولین به خودشان می‌آیند که این گروه هستند».

(ت، زن ۳۹ ساله)، «دیگری معتقد است «سینما می‌خواهیم برویم، باید بگردیم سینماهایی همکف پیدا کنیم ... می‌خواهد برود پارک، وقتی پارک مناسب نیست، پارکا هم بسته، سینما همه بسته هستند. (پ، مرد ۳۲ ساله)؛ یکی دیگر از شرکت‌کنندگان معتقد است «ما توقع داریم لااقل دیگر ورزش رو نیابند بگویند این جزء افراد دارای ناتوانیه، سالمه یا جانباز است. (ج، زن ۳۹ ساله)»، یکی از زنان می‌گوید «من خودم رفتم شمال، یک بلوار بزرگی بود یک بریدگی نداشت! گفتم چرا اینجوریه؟ گفت خانم فردی که این را ساخته فکر نمی‌کرد یک روزی یک معلول بخواهد از این‌جا رد بشود! (د، زن ۴۵ ساله)»

۵-۲) حق دسترسی به خدمات پزشکی و توانبخشی

دسترسی به خدمات توانبخشی دارای کیفیت مرغوب، جزء نیازهای اولیه افراد دارای ناتوانی محسوب شده و زیرمضمون دیگری از مضمون اصلی دسترسی را شکل می‌دهد. برخی افراد شرکت‌کننده در پژوهش معتقدند با وجود این که افراد دارای ناتوانی نیز از حق دسترسی به خدمات درمانی و توانبخشی برخوردارند، اما در سیستم فعلی، خدمات توانبخشی نامرغوب و ارزان‌قیمت در اختیار افراد گذاشته می‌شود، که شکستن ناگهانی این وسایل نامرغوب احتمال دارد منجر به بروز آسیب‌های جسمی مضاعف برای فرد گردد. آن‌ها معتقدند افراد دارای ناتوانی حق دارند از خدمات بیمه و درمان استفاده کنند و همچنین بر مسئله آموزش خانواده قبل از ترخیص از بیمارستان توسط کادر درمانی تأکید می‌ورزند. یکی از شرکت‌کنندگان در این پژوهش می‌گوید «... الان چند ساله دارند به جای چرم که با پوست معلول در تماسه، دارند فوم، از این کف‌های دمپایی ابری‌ها استفاده می‌کنند! چون ارزان‌تر است (ث، مرد ۳۷ ساله)»، او همچنین می‌گوید «عصای خوب کوپر آلمانی خریداری بشود، من این دو تا را شش ساله دارم، اما عصای ایرانی‌ام سر دو هفته شکست؛ که با شکستنش نزدیک بود حتی دستم هم بشکند. (ث، مرد ۳۷ ساله)»، دیگری می‌گوید «متأسفانه بیمارستان‌ها نیامدند که برنامه‌ریزی کنند و به خانواده افرادی که دچار این حالت می‌شوند یاد بدهند؛ که برای این فرد معلول‌تان چه کار کنید که دچار مشکلات

نشود! (چ، زن ۳۹ ساله)» او همچنین معتقد است «برنامه درمانشان است؛ درمان فرقی نمی‌کند آقا یا خانم، البته زن‌ها نسبت به مردها یه سری شرایط خاص خودشان را دارند. (چ، زن ۳۹ ساله)»، فرد دیگری می‌گوید «نیاز اولیه معلول ما مثلاً وسیله توانبخشی است ... شما وقتی به خواسته اولیه یک فرد معلول که برایش مثل غذا می‌ماند؛ مثل آب خوردنش می‌ماند که تشنگی‌اش را رفع می‌کند، شما این را در نظر بگیرید! (ح، زن ۲۵ ساله)» و یکی از زنان گفته است «ما یک بیمه خدمات درمانی داریم به محض اینکه ازدواج کنیم و این‌ها بفهمند، قطعش می‌کنند. (د، زن ۴۵ ساله)»

۲-۶) دسترسی به اماکن و سیستم حمل‌ونقل

افراد شرکت‌کننده در پژوهش معتقدند باید از حق دسترسی به اماکن عمومی و فضاهای شهری و همچنین دسترسی به سیستم حمل‌ونقل عمومی جامعه برخوردار باشند. از دیدگاه شرکت‌کنندگان در این پژوهش، مناسب‌سازی اماکن و سیستم حمل‌ونقل باید اولویت برنامه‌ها در نظر گرفته شود؛ چرا که مناسب‌سازی باعث می‌شود اماکن و سیستم حمل‌ونقل در دسترس افراد دارای ناتوانی قرار گرفته و آن‌ها بتوانند پاره‌ای از مشکلات خود را حل کنند. یکی از افراد شرکت‌کننده در پژوهش می‌گوید «این‌جا این خیابان جلوی همین انجمن، اگر پل نداشته باشد شهروند دیگر برایش موردی ندارد، او راحت رد می‌شود، ولی منی که معلولم، یک معلول ویلچری‌ام، نمی‌توانم رد بشوم. اگر پارکی... من بخوام بروم حتماً باید رمپ باشد، حتی بازار، من نمی‌توانم بروم چون یک سری موانعی هست. آمدند برای اینکه موتوری‌ها رد نشوند مانع گذاشته‌اند. چون دیگران رعایت نمی‌کنند، باید راه من هم بسته شود. (ت، زن ۳۹ ساله)» و فرد دیگری معتقد است «حالا مثلاً وسیله ایاب و ذهاب نمی‌خواهید بدهید، ندهید! در عوض یک اتوبوس بگذارید که مناسب‌سازی شده باشد. من هم پایه‌پای دیگران می‌روم سوار می‌شوم، می‌روم و می‌رسم به محل کار. (پ، مرد ۳۲ ساله)»

۳) بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که افراد شرکت‌کننده در این پژوهش معتقدند، افراد دارای معلولیت باید از حق دسترسی به آموزش و اطلاعات، دسترسی به مسکن، دسترسی به شغل، دسترسی به درمان و توانبخشی و دسترسی به امکانات گذران اوقات فراغت و دسترسی به اماکن و سیستم حمل‌ونقل عمومی؛ برخوردار باشند. اولویت‌بندی حق دسترسی به هرکدام از موارد فوق، به‌طور واضح به شرایط فعلی فرد، که در حال تجربه آن است، وابسته است. برای مثال، اولویت از نظر فردی که در آستانه ازدواج قرار دارد، دسترسی به حق مسکن است اما اولویت از نظر فردی که تازه فارغ‌التحصیل شده، دسترسی به شغل مناسب است. بنابراین به نظر می‌رسد، اولویت‌بندی آنچه افراد حق خود می‌دانند، ماهیتاً وابسته به نیازها و تجارب فعلی فرد است.

افراد شرکت‌کننده در این پژوهش محرومیت از حضور در برخی مکان‌ها و عدم دسترسی به سیستم حمل‌ونقل عمومی را تجربه کرده‌اند. آن‌ها معتقدند برای حل مشکل‌شان گاه باید ساختار فیزیکی اماکن عمومی شهر و سیستم حمل‌ونقل شهری نیز مدنظر قرار گیرد. معماری موجود، یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه تلفیق افراد دارای ناتوانی در بستر عادی جامعه است. ماده نه کنوانسیون حمایت از افراد دارای ناتوانی به در دسترس بودن اماکن و سیستم حمل‌ونقل اشاره کرده است. همچنین قانون دوم مجموعه قوانین استاندارد برابری فرصت‌ها، به لزوم مناسب‌سازی تاکید کرده است. در ماده دو قانون جامع حمایت از افراد دارای ناتوانی نیز، بر لزوم انجام مناسب‌سازی تأکید شده است.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۳ به مسئله اشتغال، ماده ۲۴ به حق استراحت و فراغت و تفریح، ماده ۲۵ به دسترسی به درمان و در ماده ۲۶ به دسترسی به آموزش اشاره شده است. همچنین در کنوانسیون حمایت از افراد دارای ناتوانی ماده ۲۵ به در دسترس بودن اماکن و اطلاعات، ماده ۲۴ به حق برخورداری از تحصیلات، ماده ۲۵ حق برخورداری از سلامت، ماده ۲۶ حق برخورداری از توانمندسازی و توانبخشی، ماده ۲۷ به کار و اشتغال و

ماده ۳۰ به حق مشارکت در زندگی فرهنگی، تفریحی و ورزشی اختصاص یافته است. در قوانین استاندارد برابری فرصت‌ها برای افراد دارای ناتوانی؛ قانون دو به مراقبت‌های پزشکی، قانون پنج به دسترسی به اماکن و اطلاعات، قانون شش به تحصیلات، قانون هفت به مسئله اشتغال و قانون یازده به تفریحات و ورزش اشاره می‌کند. ماده سوم قانون جامع حمایت از افراد دارای ناتوانی به تأمین خدمات توانبخشی، حمایتی و آموزشی، ماده چهارم این قانون به امکانات تفریحی، ورزشی و فرهنگ، ماده هفتم مسئله اشتغال، ماده هشتم آموزش رایگان و ماده نهم به دسترسی به مسکن افراد دارای ناتوانی، اشاره کرده است. یافته‌های این پژوهش با نظر وجاکوئیک و ماتوز (۱۹۹۲) در زمینه حق برخورداری افراد دارای ناتوانی از امکانات موجود در جامعه هماهنگی دارد. همچنین افراد شرکت‌کننده در مصاحبه همانند گیلدبروم و روزن تراب (۱۹۹۰) معتقدند که عدم دسترسی به امکانات جامعه باعث به حاشیه رانده شدن افراد دارای معلولیت می‌شود. به علاوه، نتایج حاصل از این پژوهش با نظر هان (۱۹۸۶) نیز هماهنگی داشته و افراد شرکت‌کننده در پژوهش از دسترسی به عنوان یکی از عوامل دستیابی به فرصت‌های برابر در جامعه و عاملی برای احقاق حقوق افراد دارای ناتوانی نام برده‌اند. بنابراین می‌توان گفت افراد شرکت‌کننده در این پژوهش نیاز به دسترسی به امکانات مختلف جامعه را تجربه کرده و گاه با مشکلاتی در زمینه دسترسی به امکانات جامعه مواجه بوده‌اند که منجر به محرومیت ایشان از حق دسترسی به امکانات، به عنوان شهروندانی همانند سایر شهروندان جامعه، شده است؛ براساس دیدگاه آن‌ها، دسترسی به امکانات جامعه از عوامل مهم در دستیابی این افراد به فرصت‌های برابر و تحقق حقوق افراد دارای ناتوانی محسوب می‌گردد. براساس گفته‌های این افراد، تحقق آنچه افراد دارای ناتوانی از آن با عنوان حق دسترسی نام برده‌اند، به دلایل گوناگون از جمله عدم آگاهی خیل عظیمی از افراد دارای ناتوانی از حقوق‌شان، نبود نهادهای غیردولتی حامی حقوق افراد دارای ناتوانی و یا عملکرد نامناسب نهادهای دولتی و غیردولتی حامی حقوق افراد دارای ناتوانی، همچنان مواردی هستند که جزء اولویت‌های برنامه‌ریزی در کشور به شمار نیامده و لذا نیازمند بررسی دقیق، موشکافانه و توجه ویژه‌اند.

- اعلامیه جهانی حقوق بشر، در دسترس از طریق آدرس‌های اینترنتی: <http://www.shamdani.com> و <http://www.UN.org>.
- اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای ناتوانی.
- اسماعیل تبار احمد، ماهیت حق، الفقه علی مذاهب الخمسه، در دسترس در آدرس اینترنتی: <http://www.ksabz.net>.
- اسکویی، سیده فاطمه و پیروی، حمید. (۱۳۸۴)، ترجمه و گردآوری پژوهش کیفی در پرستاری، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ایران.
- دشتی، محمدرضا. (۱۳۸۷)، وب سایت شخصی، قوانین موجود، کنوانسیون حمایت از حقوق معلولین، در دسترس از طریق آدرس اینترنتی: <http://www.shamdani.com>.
- صانعی، اشرف‌السادات و نیکبخت، علیرضا. (۱۳۸۳)، روش‌شناسی تحقیق کیفی در علوم پزشکی، تهران: برای فردا.
- فراسیون، منصور. (۱۳۵۴)، شرح کامل فعالیتها و تکوین سازمان ملل متحد طی نخستین ۲۵ سال حیات آن (۱۹۴۵-۱۹۷۰)، راهنمای سازمان ملل متحد، تهران: موسسه انتشاراتی فراکلین، ص ۵۹۶-۷.
- قوانین استاندارد برابری فرصت‌ها برای افراد دارای ناتوانی، تصویب شده توسط مجمع عمومی ۴۸/۹۵، دسامبر، ۱۹۹۳، در دسترس از طریق آدرس اینترنتی: <http://www.UN.org>.
- قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای ناتوانی، تصویب شده مورخ ۱۳۸۳/۲/۱۶ توسط مجلس شورای اسلامی، در دسترس از طریق آدرس اینترنتی: <http://www.bavarnew.com>.
- کتابچه قانون جامع حمایت از حقوق معلولین و آیین‌نامه‌های اجرایی مصوب، دبیرخانه کمیته اجرایی قانون جامع حمایت از حقوق معلولین، سازمان بهزیستی کشور، معاونت امور توانبخشی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۰-۸.
- کریمی درمنی، حمیدرضا. (۱۳۸۲)، توانبخشی گروه‌های خاص با تأکید بر مددکاری اجتماعی، تهران: نشر گستره.
- کمالی، محمد. (۱۳۷۹)، نگاهی به حقوق افراد دارای ناتوانی: امروز و آینده، همایش حقوق کودکان استثنایی در ایران، خلاصه مقالات و سخنرانی‌ها، تهران.
- محیی، بهرام، فلسفه حقوق بشر، ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۶، در دسترس از طریق سایت حقوق به آدرس اینترنتی: <http://www.Hoghugh.com>.
- مرکز مالگیری احمد، حاکمیت قانون، دفتر مطالعات حقوقی، مرکز پژوهش‌های

- مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۶، در دسترس از طریق وب سایت مجلس شورای اسلامی.
- میرخانی، مجید. (۱۳۷۸)، **میانی توانبخشی**، سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- ویکی پدیا دانشنامه آزاد، **منشور حقوق بشر کورش بزرگ**، در دسترس از طریق آدرس اینترنتی: http://www.cais_soas.com.
- همدانچی، آریا، «کنوانسیون و پروتکل الحاقی حقوق معلولین مصوب در مجمع عمومی سازمان ملل»، **فصلنامه حمایت سبز**، شماره ۷، بهار ۱۳۸۶، ص ۳۱-۴.
- هوفه، اتفريد. (۱۳۸۳)، **درباره عدالت (برداشت‌های فلسفی)**، (ترجمه طبری امیر)، تهران: نشر اختران، ص ۱۰-۱۲.
- A.E.Woodhouse. Parents with Learning Disability, **Journal of Intellectual Disabilities**. 1997; Vol.1, No.1:pp. 141_146.
- Amy Wysoker. Patient Rights: The American with Disabilities Act and Psychiatric Disorders in the Workplace, **Journal of The American Psychiatric Nurses Association**. 2000; Vol. 6, No. 6: pp.207_209.
- Barbara J. Lutz & Barbara J. Bowers, Disability in everyday life, **Qualitative Health Research**. 2005; Vol.15, No. 8:pp.1037_1054
- Coomber, Andrea. Ensuring rights of people with disabilities, **human rights advocacy**, IssueNo.129 available from: <http://www.law and our rights.com>
- **Convention on the rights of persons with disabilities**: Available from: <http://www.UN.com>
- Cresswell J. A. Research Design: **Five Qualitative Approaches to Inquiry**, London, Sage Publications, 2002: pp.54_84.
- Czarniawska, B. (2004), **Narratives in Social Science Research**. London: Sage.
- Dear M. Gaber, L. Takahashi, Wilton R. Seeing People Differently: the sociospatial construction of disability, **Society and Space**.1997; Vol.15: pp. 5-17.
- David May, Murray Simpson. The parent trap: marriage, parenthood and adulthood for people with intellectual disabilities, **Critical Social Policy**. 2003; Vol.23, No.1:pp.25_43.

- Deborah Park, John P. Radford, Michael H. Vickers. Disability Studies in Human Geography, **Progress in Human Geography**. 1998; Vol. 22, No.2:pp.208_233.
- Encyclopedia article about the political rights, **Definition of rights**, 2007.available from: <http://The Free Dictionary.com>
- Gulaian J. Lipson, Judith G. Roger, Cultural Aspect of Disability, **Journal of Transcultural Nursing**. 2000; Vol.11, No.3:pp.212_219.
- Gilderbloom & Rosentraub. Creating accessible city, **American Journal of Economics and Sociology**. 1990; Vol.49:pp. 241_282.
- Hahn. H. Disability and the urban environment: a perspective on Losangeles, **Society and Space**. 1986; Vol.4: pp.273_288.
- Hartley Sally, Mohammad Muhit, Using Qualitative Research Methods for Disability: Research for Majority World Countries, **Asia Pacific Disability Rehabilitation Journal**. 2003; Vol.14, No.2:pp. 103_113
- Imrie R.F., Wells P.E. Creating a barrier free environment, **Town and City Planning**. 1993; Vol.61: pp.278_281.
- Joe Soss, Lael R. Keiser. The political roots of disability claims: How Stats environments and policies shape citizen demands, **Political Research Quarterly**; 2006; Vol.59, No.1: pp.133_148.
- Jo Aldridge, Saul Becker. Disability Rights and Denial of Young Careres: The Dangerous of Zero-Sum Argument, **Critical Social Policy**.1996; Vol.16: pp. 55-76.
- Karel J Muldrij. Dualistic Notions about Children with Motor Disabilities: Hands to Lean on or to Reach Out? , **Qualitative Health Research**. 2000; Vol. 10, No.1: pp. 39-50.
- K. Gynnerstedt. Past, Present and Future for People with Teaming, **Disabilities in Sweden**. 1997; Vol.1, No.3: pp.147-152.
- Linda L. Treloar. Editor's Choice: Lessons on Disability and the Rights of the students, **Community Collage Review**. 1999; Vol.27, No.1: pp. 30-39.
- Linda Ware. Writing, Identity and the Others: Dare we do disability studies? ,

- Journal of teacher Education**. 2001; Vol.52, No.2:pp.107-123.
- Lisa Schur, Todd Shields, Douglas Kruse, Kay Schriener, Enabling Democracy: Disability and Voter Turn out, **Political Research Quarterly**. 2002; Vol. 55, No.1: pp.167-190.
 - Lorela Terzi. A capability perspective on impairment disability and special needs: Toward social justice in education, **Theory and Research in Education**. 2005; Vol.3, No.2: pp.197-223.
 - Nickolson. Coping in Future, Geographical Magazine.1991; Vol. 63: pp.36-39
 - Peggy Quinn. America's Disability Policy: Another Double Standard, **Affilia**. 1994; Vol.9, No.1:pp.45-59.
 - Polit O'Hara, D., Beck, C T., Hungler B.P. (2001), **Essentials of Nursing research: Methods, Appraisals and utilization**. (5thedition). Philadelphia: Lippincott.
 - Richard Light. **Hand book of Civil Rights and Disabled People, Disability Awareness in Action**. 2000. Available from: <http://www.google.com>
 - Robin Jackson. Learning Disability and Advocacy: Obstacles to Client Empowerment, **Journal of Intellectual Disabilities**. 1999; Vol.3, No.1: pp.50-55
 - Samantha Wehbi .Obstacles and facilitative factors affecting community organizing on disability issues: Case study of Lebanon. **International Social Work**. 2007; Vol. 50, No.1:pp.67_78.
 - Sarah W. Kreschner, Judith A. Cohen. Legislative Decision making and Health Policy: A phenomenological study of State Legislators and Individual Decision making, **Policy, Politics and Nursing Practice**. Vol.3, No. 2: pp.118_128.
 - Spiegelberg, H. (1982), **the Phenomenological Movement** (3rd Ed.). The Hague, Netherlands: Martinus Nijhoff.
 - Strauss, A., & Corbin, J. (1990). **Basics of Qualitative Research: Grounded theory procedure and techniques**. Newbury Park, CA: Sage
 - Stake, R. (1995).**The Art of Case Study Research**. Thousand Oaks, CA: Sage

- Susan L.Gabel. I wash my face with dirty water: Narratives of disability and pedagogy, **Journal of Teacher Education**. 2001; Vol.52, No.1:pp.31_47
- Tim Stainton. Empowerment and architecture of rights based social policy, **Journal of Intellectual Disabilities**. 2005; Vol.9, No.4: pp.289_298.
- Vejakovic P., Matthews H. M. Environmental values, cartographic representation and politics of disability, **Disability and Society**. 1992; Vol.9: pp.359_374
- Van Manen, M., (1990), **Researching Lived Experiences: Human Science for an action sensitive pedagogy**. Albany: state University of New York Press
- William G. Johnson. The Future of Disability Policy: Benefit payments or Civil Rights? ,**The Annals of the American Academy of Political and Social Science**. 1997; Vol.549, No.1: pp. 160_172.
- Wright, Patrisha, **when to hold Em and when to fold Em: lessons learned from enacting the Americans with Disabilities Act**. October 2000.available from: <http://www.DREDF.com>.

